

اصلاح نژاد و ژنتیک اوتانازی

تازه ترین اثر منتشره انتشارات سردی

به زبان انگلیسی

محمدمتقی سردی_ ناصر پویان

ما انسانها کم و بیش به این نکته در آدیمیان پی برده ایم که در هر انسان خصوصیتی وجود دارد که برپایه و اساس آن متمایز ساختن هر انسان از انسان دیگر میسر می شود. اما با وجود این اختلافهای انفرادی، نسل آدمیزاد همواره از دیگر گونه های جانوری متمایز است. به همین علت در تشخیص هر انسان با پستاندار دیگر امکان اشتباه وجود ندارد. در مقایسه یک انسان و یک اسب که هر دو پستاندار هستند می توان آنها را شناسایی کرد. به عبارت دیگر با وجود اختلاف بین افراد وابسته به هر گروهی از جانوران و گیاهان، همواره آن گروه ویژگیهای خود را به عنوان یک گروه معین حفظ می نماید. به همین جهت محققان طی تحقیقات دقیق خود به این نتیجه رسیده اند که هر گروه از موجودات زنده حیوان و نبات با حفظ ویژگیهای مخصوص شان پیرو یک نظم و ترتیب مشخص هستند. گوش ما با شنیدن عباراتی از قبیل "چشمان زهرا به پدرش رفته یا شبیه مادرش است" بسیار آشناست. رنگ پوست فرزندان یک پدر و مادر سفید پوست، سفید پوست است و برعکس رنگ پوست فرزندان یک پدر و مادر سیاه پوست یا زردپوست سیاه یا زرد است. در حقیقت به قول شاعر "از کوزه همان ترواد که در اوست" به کلامی دیگر انتقال حقوق مکتسبه و صفات مشخصه والدین به فرزندان شان انتقال می یابد؟ در این کار خداوند باری تعالی نقش ندارد. خدا در روز ازل (بدون اولی ورتبه ای انسانهای سالم و بی عیب آفریده. آنگاه به مرور زمان و اقالیم مختلف به اشکال امروزی در آمدند. این وراثت است که سبب فرزندان سالم و بی عیب می شود و یا برعکس معلول و حتی ناقص الخلقه. بعضی که می گویند خواست خدا بوده است و از گمانی بی ربط و غیرمنطقی است. خداوند عادل و مهربان هیچگاه نمی خواهد تفاوت بین فرزندان آدمیان قایل شود. خدا در آغاز زندگی بشر او را سالم و بی نقص آفرید و بعد این خود آنها بودند که موجبات پدید آمدن انسانهای معلول شدند. تمامی نقایص موجود در انسانها به دلیل وراثت (به انگلیسی ژنتیک genetics) است و باید بر اساس اصول علمی اصلاح شوند که در این مرحله اورژنیک (eugenic) یعنی اصلاح نژاد پا به میدان می گذارد.

"خورانا" که از هند برخاسته "رمز وراثتی" را کشف کرده است. یعنی با استفاده از این رمز، انسانها می توانند طبقه الگوی مورد نظر خود فرزندان را بدین صورت که مثلاً بروند نزد متخصصین و سفارش یک بچه با چشمان آبی، پوست زرد، هیکل بلندبالا و بدون عیب و ایراد بدهند. اکنون هزاران آسایشگاه معلولین در کره خاکی ما برپاست. اینها آدمهایی را نگهداری می کنند که به درد کار و جامعه نمی خورند. اینها تولید نمی کنند ولی از تولیدات دیگران مصرف می کنند. در کتاب به ما گفته می شود که باید ترتیبی داده شود که انسانها معلول به دنیا نیایند و آدمهایی که بدون دست و پا و یا نابینا و کرولالی متولد می شوند کار خدای حق تعالی نیست بلکه باعث و بانی آنها را باید در علم ژنتیک جستجو کرد. اما اگر انسانی به مانند انبیاء از علم لدنی (فطری و جبلی) برخوردار باشد با الهام گرفتن از حضرت حق تعالی می تواند میراثی سالم و بی عیب از خود برجای گذارد؛ به قول حکیم عمر خیام با مأخذ آیه 64 سوره کهف «وَ عَلَّمَنَا مِنْ لَدُنَّا عَلَمًا» یعنی آموختم او را نزد خود دانش»:

دل گفت مرا علم لدنی هوس است تعلیم کن اگر تو را دسترس است

بخش بزرگ و مفصل کتاب ما را "اوتانازی" به انگلیسی (euthanasia یا euthanasy) تشکیل می دهد این واژه را به فارسی "مرگ سهل و آسان"، مرگ یا کشتن کسانی را که دچار بیماری سخت و لاعلاج هستند برای تخفیف درد و رنج آنها معنی کرده اند. مثلاً بسیاری از بیماران هستند دچار سکته مغزی شده و از حیوانات انتفاع اعضای بدن شان محروم گشته اند و یک زندگی نباتی پیدا کرده اند. مثل یک گیاه و درخت شده اند که اگر به آنها آب و مواد غذایی ندهید از بین می روند. انسانهای معیوب هم همین طور هستند کارهای شخصی شان را خودشان نمی توانند انجام دهند و محصولی هم نمی دهند جز گوشت و پوست و استخوان چیز دیگر ندارند. از این رو، در اوتانازی با مرگ آسان آنها از این زندگی مشقت بار راحت می کنند. در قرآن کریم در سوره بقره آمده که خدا انسان را آفریده و او حق دارد او را بکشد و یا زنده نگهدارد. هیچ انسانی بی جهت موجبات مرگ انسانی دیگر به هر دلیل فراهم آورد.